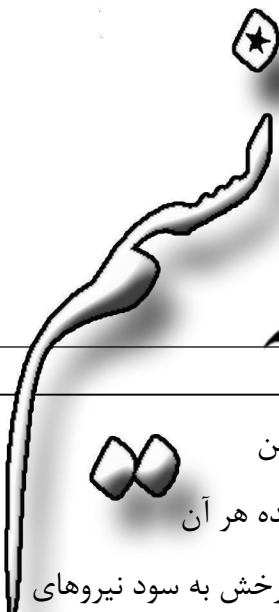




کاسنامه



نشریه دانشجویی

خاک

۸۵/۱۰/۱۷

پیشگویی های پیامبر گونه اصلاح طلبان در باب سکون و انفعال در عرصه سیاست ایران پس از پایان دوران اصلاحات نه تنها چون باقی توهّمات این گروه دود شد و به هوا رفت، بلکه تحولات سیاسی و اجتماعی با سیر پر تنش و با سرعتی بیش از پیش ادامه یافت و بار دیگر مهر تاییدی بر درستی دیدگاههایی زد که روند تغییر و تحولات در عرصه سیاست، فرهنگ و اقتصاد جامعه را در پیوند با مکانیزم طبقات اجتماعی و مبارزه طبقاتی در آن جامعه بررسی می نمایند.

این تحولات در بحران عمومی جمهوری اسلامی در عرصه بین المللی با تصویب قطعنامه تنبیهی شورای امنیت سازمان ملل وارد فاز جدیدی شده است که بیانگر نکات مهمی است که ما در مقالات قبلی نشریه خاک بر آنها تاکید نموده بودیم. نخست باید تذکر داد که دو طرف این بحران با دو صورت مسئله جدی و استراتژیک متفاوت وارد این بازی شده اند که تفاهم و توافقی عمده و پایدار را در این زمینه ناممکن می کند نظام جهانی سرمایه با صورت مسئله چگونگی روی کار آوردن

یک حکومت متعارف و نرمال سرمایه داری در ایران و جایگزینی آن با حکومتی به اصطلاح یاغی یا نامتعارف وارد این بازی گردیده در حالی که در مقابله با این رویکرد با درک درست نظام جمهوری اسلامی از کیفیت این امر که نظام جهانی سرمایه، در عرصه سیاست جهانی جایگاهی برای جمهوری اسلامی در نظر ندارد با تز تحمیل خود به نظام جهانی (یا سازش با آن؟) به عنوان تنها آلترناتیو معقول و واقعی در منطقه وارد این بازی شده است. در نگاه اول ضعف آشکار این قطعنامه در وارد کردن هر گونه فشاری به جمهوری اسلامی نمایانگر دست بالا پیدا کردن اسلام سیاسی در منطقه خاورمیانه پس از جنگ لبنان، سیاست های تعرضی احمدی نژاد در عرصه جهانی و زمین گیر شدن آمریکا در عراق است. نکته ای که بیش از هر چیز بیانگر شکست سیاست های امپریالیستی آمریکا در منطقه خاورمیانه است.

دومین بحث قابل ذکر این است که با وجود پیروزی سیاست خارجی دولت احمدی نژاد "از منظر منافع جمهوری اسلامی" در مقطع کنونی، این قطعنامه نشان از عزم پیگیری نظام جهانی به سرکردگی آمریکا برای تغییرات مطلوب خود بر حکومت ایران دارد که تنها توازن قوای فعلی در خاورمیانه است که دست نظام جهانی را در طرحهای نظامی و فشارهای اقتصادی جدی تر بسته نگاه

داشته است. در این توازن قوای شکننده هر آن



امکان تغییر و چرخش به سود نیروهای آمریکایی و به ضرر اسلام سیاسی در منطقه بخصوص در بلند مدت امکان پذیر می باشد. سومین نکته ای که از میان این مباحث نه تنها باید مطرح گردد، بلکه باید نقطه کانونی تمرکز نیروهای سیاسی جدی، مردمی و مترقی باشد، پر رنگ تر شدن بیش از پیش خطر حمله نظامی، تحریم و عراقیزه شدن ایران در پس پرده این مشاجرات بین المللی است. خطری که در مقابل آن هر نیرویی باید موضع و راه حل خود را به صورت شفاف با مردم در میان بگذارد تا خارج از کلی گویی ها و جاخالی های تئوریک و سیاسی، ماهیت منافع و جانبداری واقعی هر جریان سیاسی را مردم بتوانند به قضاوت بنشینند.

در مقابل این صورت مسئله جدی مردم و نیروهای سیاسی به سرعت به طبقات اجتماعی و ارکان سازنده واقعی خود تجزیه می گردند. بورژوازی و بخش اندامواره آن در طبقه متوسط و خرده بورژوازی توسط نیروهای سیاسی مختلف قطب راست جامعه نمایندگی می شوند. این قطب راست به دو جناح اصلی تقسیم می گردد:

جناح اول که نسبت به جمهوری اسلامی پوزیسیون و نیرویی تعریف می گردد که بقای خود و جامعه بورژوازی را در بقای نظام موجود می بیند. بخش عمده ای از نیروهای اسلام سیاسی این جناح از قطب راست جامعه را

تشکیل می دهند و نیروهای سیاسی دیگری که با هویت های دیگری همچون اصلاح طلب، لیبرال یا حتی سکولار خود آگاهی دارند به علت پاسخی که به صورت مسئله سرنوشت حاکمیت سیاسی در آینده ایران و چگونگی برخورد با نظام جهانی سرمایه می دهند (یعنی به هر حال پاسخ را در چهارچوب جمهوری اسلامی معقول می دانند یا پیگیری می نمایند) - به طور نمونه از حامیان هاشمی رفسنجانی تا احمدی نژاد - به صورت ارگانیک یا غیر ارگانیک به نیروهای اسلام سیاسی تعلق دارند. جناح دیگر قطب راست که مهم ترین شاخص آن را تعریفش به عنوان اپوزیسیون جمهوری اسلامی و سرمایه گذاری نیروهایش در روی کار آوردن یک حکومت متعارف سرمایه داری و دنباله روی آمریکا در ایران می توان دانست که شامل نیروهای زیادی از سلطنت طلبان، تندروهای دو خردادی و... می باشد که عمدتاً خود را با ایدئولوژی هایی چون سکولاریسم، لیبرالیسم، چپ فرهنگی یا دموکرات شده و... عنوان می کنند. اما پایگاه جنبشی عمده این جریانات سیاسی را می توان ناسیونالیسم پرو غرب دانست که فارغ از رنگارنگی عناصر درونی این جناح، به آنها (از گنجی و سازگارا تا رضا پهلوی و فرخ نگهدار) به عنوان یک کلیت واحد عینیت می بخشد.

هر کدام از دو جناح قطب راست (یعنی اسلام سیاسی و ناسیونالیسم پرو غرب) در مقابل مسائل مختلف از قبیل آزادی

های سیاسی و حقوق مدنی اولیه، وجود ستم ملی در ایران و... موضع گیری های متعدد و جناح بندی های گوناگون و ریزتری دارند که در صورت لزوم در شماره های بعد نشریه به تفصیل به آنها خواهیم پرداخت.

در برابر نیروهای مذکور قطب چپ و رادیکال جامعه قرار دارد که تا کنون بارها با عناوینی چون راه سوم یا مردمی و... از آن نام برده شده است. این قطب متشکل از طبقه کارگر (به عنوان نیروی محوری و رهبری کننده) و دیگر زحمتکشان جامعه ایران با همراهی بخشی از طبقه متوسط است که بنا به دلایل مادی و ذهنی به طبقه کارگر پیوند خورده اند. این قطب در صحنه سیاست و نیروهای سیاسی موسوم به چپ رادیکال و طیف دیگری از نیروها نمایندگی می شوند.

از مهم ترین ترزا و ارکان تعیین کننده خطوط این نیروها را می توان تاکید بر دخالت گری مردم در تعیین سرنوشت شان توسط خود آنها دانست که این امر به تبع خود مخالفت جدی و پیگیر با هرگونه دخالت خارجی و نظام جهانی در آینده سیاسی کشور و مبارزه با استبداد داخلی را به همراه می آورد.

این قطب مبارزاتش را بر پایه سه جنبش کارگری، دانشجویی و زنان با محوریت مبارزات طبقاتی کارگران و جریانات سیاسی چپ رادیکال استوار می سازد. خواسته های آزادی خواهانه، و ضد استبدادی و رفاهی برای طبقات محروم اجتماعی در صدر برنامه های حداقلی این جریان قرار دارد. به عبارتی دیگر این قطب اهدافش را بر مبنای

منافع طبقه کارگر و مردم زحمتکش جامعه اعلام می کند، شیوه مبارزاتی اش را بر مبنای جنبش های اجتماعی همین نیروها یعنی جنبش طبقه کارگر و بخش چپ و رادیکال جنبش های زنان و دانشجویان استوار می کند و شکل مطلوب حاکمیتش را ضرورت های حاکم بر نوع نیازهای همین اقشار تعیین خواهد نمود که مشخصاً دموکراتیک بودن و چرخش آزاد قدرت سیاسی و کنترل مردمی بر ثروت جامعه و تضمین جامعه ای آزاد و برابر از ارکان آن خواهد بود.

عملاً این دو قطب را در برگزاری انتخابات خبرگان و شوراهای شهر و مبارزات دانشجویی در چند ماه گذشته می توان بررسی نمود و خطوط سیاسی و پراتیک حاکم بر این قطب ها را شکافت.

در انتخابات ۲۴ آذر ماه بیش از هر چیز شاهد رقابت های درونی جناح اسلام سیاسی در قطب راست بین حامیان احمدی نژاد و هاشمی برای تعیین خط مشی حاکم بر این جناح قطب راست بودیم (احمدی نژاد نماینده تز تعرض به نظام جهانی و هاشمی نماینده تز سازش با آن) که در نهایت بدون غلبه کامل هیچ یک از دو تفکر فعلی بر دستگاه های مورد منازعه به پایان رسید. که این مسئله بیش از پیش ناکارآمدی ها و اصطکاک های حاکم بر جناح اسلام سیاسی در این قطب را تشدید می کند.

جناح ناسیونالیسم پرو غرب و اپوزیسیون قطب راست نیز عملاً نتوانست قدمی را در جهت تحریم بردارد و نه در جهت سازماندهی شرکت در انتخابات. بیشتر نیروهای این جناح به حمایت ضمنی از

اطلاعیه کارگران ایران خودرو

قرار است محمود احمدی نژاد روز شنبه برای افتتاح خط ال ۹۰ به شرکت ایران خودرو برود برای همین کارگران شرکتهای پیمانکاری ایران خودرو تصمیم گرفته اند مثل دانشجویان دانشگاه امیر کبیر رودروی احمدی نژاد بنشینند و مشکلات خود را مطرح کنند. فراخوان کارگران پیمانکار شرکت ایران خودرو

جوانان نسل انقلاب و کارگران

پیمانکار ایران خودرو

برادران و خواهران زحمتکش

روز شنبه آقای ریئس جمهور احمدی نژاد به شرکت ما خواهند آمد ایشان می آیند تا خط ال را رسماً در سالگرد انقلاب افتتاح کنند ایشان می آیند پا روی آرمانهای هزاران جوان که برای قطع وابستگی به سرمایه داران جهانی و در صدر آن آمریکای جنایتکار جان خود را فدای انقلاب کردند بگذرد و نماد یکی از کشورهای امپریالیستی فرانسه و یک شرکت تراست بین المللی را افتتاح کنند ایشان می آیند تا مرگ تولیدات داخلی را رسماً اعلام کرده و وابستگی ایران را به جهانیان و سازمان تجارت جهانی اعلام کنند. ما کاری به این نداریم. حرف ما از ریئس جمهور این است تا کی ما باید زیر ستم شرکتهای پیمانکاری استعمار خواهیم شد ریئس جمهور که هر روز از این شهر به آن شهر مسافرت می کنند از کشورهای انقلابی دیدن می کنند ولی وقتی به شرکت ما می آیند مخفیانه می آیند چرا هیچ ریئس جمهور حاضر نمی شوند پای درد دل ما بنشینند ولی وقتی

« لیبرال » بیشتر شناخته شده هستند، حول افق و قطب اجتماعی واحدی که نمایندگی می کردند جبهه واحدی را شکل دادند و در مقابل حرکات رادیکال دانشجویان ایستادند.

در مقابل شعار تحریم انتخابات عصبی می شدند، در مقابل طرح جنبش زنان و کارگران به هتاک و عکس العمل های نابه هنجار می پرداختند و در مقابل به دفاع از تز دانشجویان به مثابه یک صنف یا " قشر در خود " پرداختند. نیروهای فشار این جریانان به پاره کردن کتابهای دانشجویی و تصفیه نمایندگان دیگر عقاید مختلف از تشکلهایی که نفوذ داشتند اقدام نمودند. دموکراسی خواهان پیراهن قهوه ای و کف به لب آورده، از معرفی عناصر خرابکار به نهادهای امنیتی تا ایجاد شایعه و هر اقدام سیاهی در مقابله با جریانی که به گونه ای دیگر می اندیشد و عمل می نمود، کوتاهی نکردند. مراسمی که با همکاری نیروهای مستقل دانشجویی پا گرفته بود ناگهان برگزار کننده ی واحدی به نام تحکیم وحدت پیدا کرد و

در برابر این عملکرد، چپ رادیکال تمامی تلاش خود را در کنار دانشجویان برای طرح خواستههای آنان به رادیکال ترین شکل ممکن و دفاع از حقوق سیاسی و اجتماعی کل جامعه به کار گرفت. حضور قدرتمند نیروهای این قطب در دانشگاه های سراسر کشور نوید این امر را به جامعه داد که ایران می تواند به سرنوشت عراق و سناریوهای تلخ آمریکایی قومی (جنگ داخلی) و دچار نگردد.

این امر بیش از هر چیز نیازمند قطع چشم امید فعالین اجتماعی و عموم مردم از مراجع رسمی قدرت و نظریه پردازان انفعال، انتظار و می باشد. طبقه کارگر و اکثریت مردم زحمتکش بار دیگر باید به دستان پر توان خود بنگرند و به این سوال اساسی بپردازند که " چه باید کرد ؟ " به امید یک دنیای بهتر

زنده باد سوسیالیسم

نمایندگان تز سازش در جناح قدرتمند اسلام سیاسی بسنده کردند.

قطب چپ و رادیکال به علت نداشتن رسانه های قدرتمند و نداشتن قدرت لازم جهت سازماندهی با پرچم و سازمان خود، بیش از هر چیز سعی در حفظ مرزهای خود با نیروهای قطب راست و حفظ و باز سازی خود جهت جدالهای آینده دارد. و هنوز به صورت جدی در این عرصه وارد نگردیده و بیشتر توان خود را صرف سازماندهی جنبشی خود می نماید. هرچند چهل درصد جمعیتی که بنا به آمار رسمی در انتخابات فوق شرکت نکردند پایگاه و پتانسیل بالقوه این نیرو می توانند باشند.

این انتخابات در کنار حوادث چند هفته اخیر در ایران و خاورمیانه بی افقی، سردرگمی و بی پاسخی قطب راست جامعه را در پاسخ به ضرورت ها و نیازهای حاکم بر جامعه ایران اثبات نمود که نمود بیرونی این امر را می توان در ادامه با وضوح بیشتری به نمایش گذاشت.

در جریان مبارزات دانشجویی اخیر اگر بخواهیم تجمعات دانشجویی به مناسبت ۱۶ آذر را به عنوان محک ارزیابی این نیروها قرار دهیم به تصویر جالبی از عملکرد و محتوای واقعی این نیروها می رسیم. در این تجمعات که نوید بخش طلوع قدرتمند نیروهای سیاسی جوان و رادیکال قطب چپ جامعه بود شاهد این امر بودیم که نیروهای سیاسی نزدیک به قطب راست، چه جناح اسلام سیاسی که در دانشگاه با عنوان « روشنفکر مذهبی » یا « مشارکتی » شناخته می شوند و چه جناح ناسیونالیست پرو غرب که با عنوان

صدور حکم اخراج ۱۶ نفر از کارگران شرکت واحد از سوی اداره کار

بنا به گفته "ابراهیم مددی" نایب رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، هیات‌های تشخیص و حل اختلاف ادارات کار غرب و جنوب تهران، حکم اخراج ۱۶ نفر از کارگران تعلیقی این شرکت را صادر کردند.

داوود رضوی، اکبرپیرهادی، حسن کریمی، جمیل بهادری، صادق خندان، یوسف مرادی، امیر تاخیری، حسن محمدی، غلامرضا خوش مرام، محمود هژبری، غلامرضا غلام حسینی، وهاب محمدی، غلامرضا میرزایی، علی زاد حسین، غلامرضا خانی و حمید رضایی فرد که همگی از فعالین و عضوسندیکاشرکت واحد می باشند که اینک اخراج شده اند .

گفتنی است از سال گذشته و به دنبال اعتصاب و اعتراضات کارگران شرکت واحد، ۵۰ نفر از کارگران این شرکت تعلیق شده و تاکنون نیز هیچگونه حقوقی دریافت نکرده اند.



درد فراوان بر استقامت و پایداری کارگران مبارز سندیکای شرکت واحد

لغو دیدار "احمدی نژاد" از شرکت ایران خودرو به دلیل ترس از اعتراضات کارگران

نشریه داخلی کارگران شرکت ایران خودرو (کارکو) از لغو دیدار احمدی نژاد به شرکت ایران خودرو خبر داد . قرار بود روز شنبه احمدی نژاد برای افتتاح خط "ال" ۹۰ به ایران خودرو برود و به همین دلیل مدیران شرکت تدابیر امنیتی شدیدی را اتخاذ و به کارگران اعلام کرده بودند به هنگام حضور احمدی نژاد هیچ یک از کارگران حق تردد در محوطه شرکت را ندارند و کارگران پیمانکار نیز باید در خانه بمانند .

به دنبال تصمیمات مذکور از سوی مدیران شرکت ایران خودرو ، کارگران شرکتهای پیمانکاری تصمیم می گیرند همزمان با حضور احمدی نژاد در پارکینگ شرکت تجمع نموده و دست به اعتراض بزنند .

در گزارش نشریه کارکو آمده است : وقتی که خبر آماده شدن استقبال کارگران ایران خودرو به گوش احمدی نژاد رسید، وی از خیر افتتاح خط "ال" ۹۰ گذشت و همچون خاتمی ترجیح داد از روبرو شدن با کارگران شرکت ایران خودرو خوداری کند و دیدار خود را لغو کرد .

درد فراوان بر مبارزات کارگران شرکت ایران خودرو

که می خواهند رای جمع کنند ما در اولویتیم برادران حتما رئیس جمهور که مدعی دولت پاسخگو هستند به سوالات ما جواب خواهند داد ایشان باید قبل از افتتاح ال ۹۰ به ما جواب بدهند که تا کی ما امنیت شغلی نخواهیم داشت .

برادران و خواهران زحمتکش

نود و نه درصد ما کارگران پیمانکار متولدین زمان انقلاب هستیم یعنی در ست زمانی که هزاران جوان جان خود را فدای انقلاب می کردند ما به دنیا آمدیم ما فرزندان این انقلابیم انقلابی که قرار بود ریشه ظلم و ستم را بکند انقلابی که قرار بود به ما کار مسکن آزادی و نان شرف و عزت بدهد ولی امروز چه نصیب ما شده است. کارگر پیکجی کارگر برده و بیکاری واستثمار تولد هزاران شرکت پیمانکاری لغو استخدام دایم و رواج قراردادهای موقت و بهره کشی از ما جوانان نسل انقلاب. ما از رئیس جمهور می خواهیم به ما جواب بدهند آیا این بود سهم پدران ما از انقلاب آیا این بود که متولدین ۵۷ کارگر باشند و آنهم کارگر پیمانکار و پیکج امروز حتی ما را در جای پدرانمان که روزی کارگر ایران خودرو بوده و استخدام رسمی بودند قرار نمی دهند. ما از رئیس جمهور خواسته های داریم که ایشان به عنوان رئیس دولت باید جواب بدهند. برای همین به دیدار رئیس جمهور می رویم و در مراسم افتتاح ال ۹۰ مشکلات خودمان را مطرح می کنیم .

برادران وعده ما روز شنبه ۲۱ بهمن ماه ساعت ۹ جلو درب ورودی تونل

کارگران پیمانکاری ایران خودرو